

سخنرانی نماینده حزب توده ایران در "دانشگاه کمونیستی"

مبارزه زنان ایران برای آزادی و قوانین عادلانه ادامه خواهد یافت!



"مبارزه برای نان، و همچنین گل رز" شعاری است که اولین بار در سال ۱۹۰۸ توسط زنان کارگر تظاهر کننده و مبارزه جو در آمریکا طرح شد. گردهمایی با خیرمقدم گوئی و سخنان خانم "آینتا هالپین"، سندیکالیست

ادامه در صفحه ۳

دروغ پردازی و جعل تاریخ سیاست رسمی رژیم ولایت فقیه است! در ص ۲



شماره ۸۰۲، دوره هشتم

سال بیست و سوم ۴ آبان ۱۳۸۷

طرح تحول اقتصادی، واردات بی رویه و حقوق زحمتکشان

مبارزه طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما برای تامین امنیت شغلی و به همراه آن تقویت تولید و جلوگیری از تعطیلی کارخانه های و واحدهای صنعتی تولیدی در هفته های اخیر اوج تازه ای گرفت. نمونه مبارزات کارگران کارخانه لاستیک البرز، کارگران مجتمع بزرگ نیشکر هفت تپه و اعتصابات متعدد در شهرک های صنعتی قزوین، اراک و ساوه گویای وضعیتی است که زحمتکشان با آن دست به گریبان هستند. در این خصوص چندی پیش نماینده مجلس هشتم و دبیرکل خانه کارگر جمهوری اسلامی با انتقاد از سیاست های اقتصادی دولت احمدی نژاد از جمله گفت: "کارگران و صنعت کسب و کار به طور اعم در شرایط ویژه ای قرار دارند. از طرفی واردات و رقابت ناجوانمردانه و کشنده امان از تولید ملی بریده است و از طرف دیگر رنج بی پایان کارگران ظاهرا پایانی ندارد."

وی سپس در توضیح این اوضاع ویژه متذکر می شود: "متأسفانه اکنون یک دهه است که به علت واگذاری نابجا و فشار بر تولید کنندگان داخلی و کشاندن آنها به عرصه کم حاصل رقابت با مشابه خارجی و افروختن سوداگری طمعکارانه و بسیاری دلایل دیگر، کارگران برای کمتر از حداقل تلاش می کنند، با اینکه ۵۰۰ واحد بزرگ و متوسط یا نمی توانند و یا نمی خواهند و یا نمی شود که حقوق کارگران

ادامه در صفحه ۲

"سونامی" اقتصادی-سیاسی و افلاس دولت بر گمارده ولی فقیه

مرحله تخلیه و جارو کشی پیش برد و اقتصاد ملی را بیش از هر زمان دیگر به نفت وابسته کرد، رئیس بازرسی کل کشور اذعان داشته از حساب ذخیره ارزی بیش از آنچه در قانون برنامه آمده، برداشت شده است... و سپس در ادامه می نویسد: "حال ما با اقتصادی روبه رو هستیم که بیش از هر زمان دیگری تکیه به نفت داده و مجموع سیاست ها و برنامه هایش را بر درآمدهای بالا گذاشته و شرایط بخرنجی که اقتصاد جهانی بر ما تحمیل کرده است. با این همه به نظر می رسد بدون آنکه مقامات سیاسی و رئیس دولت نهم، بی محابا از سقوط بازار جهانی اظهار خوشحالی کنند، لازم است مترصد و مراقب نفوذ سونامی به اقتصاد کشور باشند، بدیهی است بحران از دل نظام سرمایه داری برخاسته اما آنها توان بیشتری برای مقابله با مشکلات خواهند داشت. تأسف آن جا است که چنین رویدادی بیش از همه بر کشورهای مستقل، کمتر توسعه یافته و جهان سوم تاثیر مخرب خواهد گذاشت. بحرانی که دیگر نه به عنوان معجزه که چون سیلاب و زلزله تاثیرات خود را به رخ خواهد کشید." سخنان رفسنجانی و در پی آن اظهار نظر های مخالف و موافق حاوی نکات جالبی پیرامون وضعیت

هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس خبرگان رژیم، در سخنانی که در نماز جمعه تهران ایراد کرد، ضمن رد نظرات رایج و ساده لوحانه سخنگویان دولت احمدی نژاد، درباره پیروزی "نظام اسلامی" بر نظام جهانی سرمایه داری از جمله گفت: "خوشحال نباشیم، خطر سونامی اقتصادی در راه..." روزنامه کیهان در واکنش به همین ارزیابی رفسنجانی و متناقض دانستن آن با تحلیل های قبلی وی اشاره کرد که: "نگرانی ابراز شده ایشان با واقعیت ها انطباق چندانی نداشته و نباید باعث دلشوره مردم شود. بلکه بحران اقتصادی اخیر آمریکا و اروپا بدون تردید، یک رخداد شکننده برای دشمن و به همان اندازه برای ملت ایران و سایر ملت های مسلمان خوشحال کننده است." ما در سرمقاله شماره قبل "نامه مردم" ضمن پرداختن به ابعاد همه جانبه بحران مالی سرمایه داری جهانی اشاره کردیم که تبعات این بحران بی شک تأثیر مخربی بر حیات اقتصادی کشورهای در حال رشد و از جمله میهن ما ایران خواهد داشت. روزنامه اعتماد ملی نیز با اشاره به گفته های هاشمی رفسنجانی نوشت: "در شرایطی که دولت نهم سرمست از درآمدهای بالای نفتی، گوش خود را به سخنان مشفقانه تمام ناصحان بست و صندوق ذخیره ارزی را تا

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه!"

ادامه طرح تحول اقتصادی ...

خود را به موقع پرداخت کنند، اکنون کارگران به دریافت همین به موقع حداقلی (و ناکافی) که در شهر ما (تهران) برخی ها هزینه نگهداری حیوانات خانگی شان می شود راضی شده اند." آنچه دبیر کل خانه کارگر، این تشکل فرمایشی، به آن غیر مستقیم اشاره کرده، همان برنامه خصوصی سازی است که از دوران دولت رفسنجانی آغاز و تا به امروز ادامه یافته و خسارات جبران ناپذیر به اقتصاد ملی، بنیه تولیدی و منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان وارد آورده است، اکنون نیز برنامه تحول اقتصادی تدوین و مقدمات اجرای آن فراهم می گردد، این برنامه به مراتب از سیاست دولت های رفسنجانی و خاتمی زاینخش تر و خطرناک تر بوده و سبب اضمحلال تولید و نابودی امنیت شغلی زحمتکشان خواهد بود.

چندی پیش خبرگزاری ایلنا از قول دکتر ابراهیم زراقی عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران در باره طرح تحول اقتصادی و واردات افسار گسیخته کالاهای خارجی به کشور نوشت: "طرح تحول اقتصادی به زبان حقوق بگیران و کارگران خواهد بود، طرح تحول اقتصادی دارای دو وجه است، یک اینکه به بالا رفتن قیمت ها خواهد انجامید و دوم اینکه آیا دولت قادر است متناسب با تورم انجام شده سطح دستمزدها را افزایش دهد! سطح کنونی دستمزدها باعث کاهش قدرت خرید حقوق بگیران (خصوصا کارگران) است، اثر تورم موجود بر کارگران و جامعه ثروتمند متفاوت است. بطور مثال خوراک ۵ درصد هزینه قشر ثروتمند است، در صورتیکه برای قشر حقوق بگیر ۵۰ درصد هزینه ها را شامل می شود. اما در عمل بانک مرکزی با جمع ۵۰ به عدد ۲۵ می رسد و این عدد عادلانه نیست، طبق آمارهای رسمی از سال ۱۳۵۸ تاکنون ۴۶۳ میلیارد دلار واردات کالا داشته ایم که این آمار خود بیانگر وضعیت بد تولید داخلی و توجه صرف به درآمدهای نفتی است."

از دیگر سو روزنامه سرمایه ۳ مهرماه امسال در گزارشی پیرامون بیکاری گسترده در جامعه نوشت: "کمبود نقدینگی که برای سرمایه در گردش واحدهای صنعتی ایجاد شده باعث رکود و بیکاری کارگران شده است."

کمبود نقدینگی و عدم تخصیص اعتبارات مالی لازم به واحدهای تولیدی در وضعیتی اعلام می شود که درآمدهای کشور از محل صدور نفت سربه ده ها میلیارد دلار می زند و سیستم بانکی کشور حداقل صد هزار میلیارد ریال اعتبار در اختیار تجار و شرکت های غیرمولد قرار داده است.

بطور مثال چندی پیش رئیس اتحادیه سراجان ایران به خبرگزاری ایلنا اعلام داشت: "واردات بی رویه و کابوسی به نام کالای چینی، ۷۰ درصد کارگاه های سراجی در ایران تعطیل شده اند، گسترش بی رویه واردات ۷۰ درصد کارگاه های تولید داخلی را با تعطیلی مواجه کرده و کارگران بیکار شده اند، وی با ابراز نگرانی از وضعیت نابسامان تولید از عدم تخصیص اعتبارات لازم از سوی بانک ها به تولید کنندگان انتقاد کرد." علاوه بر این رییس اتحادیه تعاونی های صنایع آلومینیم کاران نیز خاطر نشان ساخت: "آلومینیم کاران با ۳۰ درصد ظرفیت کار می کنند و اشتغال ۳۰۰ هزار نفر در خطر است، بانک ها در پرداخت وام و اعتبار به تولید کنندگان از جمله آلومینیم کاران چنان سخت گیری می کنند که همه تولید

کنندگان از دریافت وام ناامید هستند."

همچنین مجتمع بزرگ و راهبردی لوله سازی خوزستان، با همین مشکل روبرو است و در حالت رکود قرار داشته و سخن از تعطیلی کامل آن در آینده نزدیک به میان آمده است. ایلنا در این زمینه گزارش داد: "نماینده سابق کارگران کارخانه لوله سازی خوزستان گفت، همه کارگران این کارخانه به دستور کارفرما به مرخصی اجباری رفتند. در پی این تصمیم روز ۲۹ شهریور ماه کارگران به طور دستجمعی در محوطه این واحد جمع شدند و نسبت به تصمیم کارفرما اعتراض کردند، بانک ها از اعطای وام و تسهیلات به این واحد صنعتی پر اهمیت خودداری می کنند و در حال حاضر ۷۵۰ کارگر با سابقه ۱۵ تا ۲۵ سال در این واحد از ۳ ماه پیش حقوق و مزایایی دریافت نکرده اند، کارگران خواستار بازگشایی کارخانه و جلوگیری از خصوصی سازی هستند."

در گزارش دیگری کارگران استان همدان به سیاست واردات و برنامه تحول اقتصادی اعتراض کرده و خواستار تامین امنیت شغلی، دستمزد های مناسب و جلوگیری از تعطیلی کارخانجات شدند. ایلنا در این باره تاکید کرد: "باز بودن درهای کشور به روی محصولات خارجی، اقتصاد و تولید را با رکود و آسیب جدی مواجه کرده است. ۱۴۰ هزار کارگر در سطح استان (همدان) در واحدهای تولیدی، خدماتی و صنعتی فعالند که بیش از ۹۰ درصد آنها قراردادی (قرارداد موقت) و برخی از شاغلان در کارگاه های کوچک از مزایای بیمه و بیمه درمانی نیز محروم هستند."

چنین اوضاع وخیم و ناگواری نتیجه مستقیم سیاست های گذشته و حال رژیم ولایت فقیه در عرصه های اقتصادی و اجتماعی است. بنابر این مبارزه طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان برای بهبود وضعیت کار، تامین امنیت شغلی، دستمزدهای متناسب با نرخ واقعی تورم و احیا و ایجاد سندیکاهای مستقل بر پایه صحیح طبقاتی در لحظه کنونی جدای از خواست تقویت بنیه تولیدی و مبارزه بر ضد خصوصی سازی و اقتصاد غیرمولد و انگلی نیست. بی دلیل نبود که در ماه های اخیر هزاران کارگر در اعتراض به حقوق معوقه و اخراج های فردی و جمعی، خواست جلوگیری از تعطیلی واحدهای صنعتی را طرح و بر آن اصرار دارند. تجربه نشان داده است، تضعیف بنیه تولیدی و رواج اقتصاد غیر مولد که رژیم ولایت فقیه عامل آن محسوب می شود، مساوی با بیکاری و رواج قراردادهای موقت و بی حقوقی مطلق همه مزدبگیران است و از این رو کارگران کشور همراه با همه مزدبگیران با هر سیاستی که تضعیف تولید و صنعت را در پی داشته باشد به شدت مخالفت و مبارزه می کنند. دقیقا از این زاویه زحمتکشان با طرح تحول اقتصادی دولت ضد مردمی احمدی نژاد مخالف بوده و بر ضد آن مبارزه می کنند. خبرگزاری ایلنا ۳۰ شهریور ماه در گزارشی از قول یکی از فعالان کارگری استان آذربایجان شرقی یادآور شد: "طرح تحول اقتصادی چاره رفع مشکلات قشر آسیب پذیر نیست. ریشه این طرح به پیشنهاد صندوق بین المللی پول در سال گذشته برمی گردد، با این طرح یارانه صنایع حذف و تورم به حدود ۵۰ درصد می رسد و در نهایت قشر آسیب پذیر و کارگر قربانی این تورم می شوند."

طبقه کارگر ایران با تجربه اندوزی از دو دهه گذشته و اجرای برنامه هایی نظیر تعدیل اقتصادی در دوران دولت رفسنجانی و اصلاح ساختار اقتصادی در دولت خاتمی و با در نظر گرفتن پیامدهای فاجعه بار اجرای چنین برنامه هایی، ضمن آنکه سیاست های دولت احمدی نژاد را ادامه همان برنامه ها و به مراتب بدتر از آن ارزیابی می کند به مبارزه خود بر ضد این سیاست ها ادامه می دهد. این مبارزه ای پراهمیت و سرنوشت ساز برای حال و آینده زحمتکشان و مجموعه جنبش مردمی ایران به شمار می آید.

ادامه مبارزه زنان ایران ...

دروغ پردازی و جعل تاریخ

سیاست رسمی رژیم ولایت فقیه است!

اخیرا سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و سازمان اتحاد فداییان خلق ایران با انتشار بیانیه مشترکی نسبت به کتاب "چریک های فدایی خلق" که چندی پیش از سوی موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی منتشر گردید، واکنش نشان داده و به توضیح پیرامون برخی جوانب اینگونه تبلیغات هدفمند ارگان ها و موسسات وابسته به وزارت اطلاعات و دیگر نهادهای اطلاعاتی و امنیتی رژیم ولایت فقیه پرداختند. در این بیانیه مشترک خاطر نشان می شود "بنابه وظیفه ای که برای خود در جلوگیری از تحریف و تخریب تاریخ چپ و جنبش فدایی قایلیم... تصریح پاره ای موارد پیرامون نفس انتشار کتاب "چریک های فدایی خلق" و نیز اشاراتی چند به مفاد این اثر را ضرور می دانیم."

این رفقا سپس با تشریح دیدگاه های خود در خصوص تاریخ و تاریخ نگاری تاکید می کنند: "... موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی با داشتن مالکیت انحصاری بر میراث ساواک، برای این جنبش (فدایی) تاریخ نشر می دهد. اسنادی که، قسمت عمده آنها ورقه های بازجویی فداییان خلق هستند که زیر تازش تازیانه ها نوشته و امضاء شده اند، و از این روهم، نه اعتبار تاریخی و نه اعتبار حقوقی دارند... ورقه های بازجویی نه دربرگیرنده تمام حقایق است و نه ساواک از تمام حقایق اطلاع داشته است. موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی با انتشار این کتاب، بدعت تازه ای را در تاریخ نویسی بنا نهاده است. بدعت تاریخ نویسی بر پایه اوراق بازجویی و پرونده های ساواک. در حالی که تاریخ نویسی براساس بازجویی ها، با ابتدایی ترین، ملزومات تاریخ نویسی هم مغایر است... ناشرین، تاریخ نشر داده اند تا تاریخ خوانان این نسل، تاریخ نسل های پیشین را انگونه بخوانند که حکومت می خواهد..."

در بخش پایانی بیانیه مشترک دو سازمان اشاره گردیده:

"واقعیت این است که هدف و سیاست رژیم نابودی چپ و حذف آن از صحنه سیاسی کشور است... این سیاست شکست خورده و امروز با وجود تمام بگیر و ببندهای حکومت چپ سوسیالیست به عنوان نیرویی مستقل برآمد کرده و نفوذ خود را در جنبش های اجتماعی و بخصوص دانشجویان گسترش داده است. دانشگاه دوباره به سنگر چپ تبدیل شده... با انتشار این کتاب، حکومت برآن است تا اگر نتواند نسل جدید چپ در ایران را از راه باز دارد، ذهنیت منفی نسبت به گذشته چپ را در ذهنیت آنان شکل دهد."

لازم است تاکید کنیم، دروغ پردازی و جعل تاریخ و خاطره نویسی و یادمانده نگاری ها براساس اطلاعات امنیتی و ورقه های بازجویی و یا اقراریه شکنجه شدگان به هیچ وجه بدعت تازه ای نیست و این شیوه از ساواک و دفتر ویژه اطلاعات به ارگان های امنیتی رژیم ولایت فقیه به ارث رسیده است. "موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی" پیش از انتشار کتاب برضد جنبش فداییان خلق و مبارزه آنان، کتابی سراسر دروغ و تحریف و جعل برضد حزب توده ایران به نام "حزب توده ایران از شکل گیری تا فروپاشی" در یک جلد با ۱۲۰۰ صفحه انتشار داده بود و بسیاری از سایت ها و پایگاه های خبری اینترنتی نزدیک به رژیم به تبلیغ و ترویج آن پرداخته و هنوز می پردازند. چنین روشی علیه دیگر سازمان ها و نیروهای مردمی تحت عناوین مختلف صورت پذیرفته و صورت می پذیرد. این بخشی از جنگ روانی-تبلیغاتی استبداد و ارتجاع ایران برضد نیروهای مردمی و مترقی است که تا به امروز حجم گسترده ای از آن صرف مبارزه با حزب ما و اندیشه و تاریخ و سیاست های آن شده است.

ما در این قسمت که هدف جعل تاریخ از جمله در کتاب "چریک های فدایی خلق" مبارزه رژیم با چپ و نفوذ رو به گسترش آن است، با رفقای فدایی موافقیم و براین اساس معتقدیم باید با مبارزه ای متحد و مشترک این ترفند رژیم ولایت فقیه را خنثی ساخت. اندیشه های مردمی و کمونیستی و آرمان های چپ ریشه های ژرفی در جامعه ایران دارد. اندیشه های مارکسیستی نقش اساسی بی در پیشبرد مبارزات مردم میهن ما بر ضد استعمار و برای تحقق آزادی و عدالت اجتماعی داشته و دارد و درست به خاطر همین اصل است که رژیم مستبد و واپس مانده ولایت فقیه قادر نخواهد بود با جعل تاریخ و خاطره نویسی و تاریخ نگاری آرمان های ولایتی مردمی و چپ را در کشور منحرف و نابود سازد!

برجسته و عضو هیئت اجرایی اتحادیه ژورنالیست های انگلستان که سال ها عضو شورای ملی رهبری جنبش سندیکائی انگلستان، بوده است آغاز شد. پروفیسور "ماری دیویس"، سردبیر نشریه "بررسی کمونیستی"، ارگان تئوریک حزب کمونیست بریتانیا، و عضو رهبری اتحادیه استادان دانشگاه های انگلستان، در سخنرانی خود گفت، "این شعار حاکی از استثماری شدید زنان می باشد؛ قشری که نه فقط همیشه دستمزدی کمتر از مردان دریافت کرده است، بلکه در منزل نیز تحت ستم قرار میگیرد." ماری دیویس اشاره کرد که زنان نصف نیروی کار را تشکیل میدهند و هیچ انقلابی بدون شرکت موثر آنان بوقوع نخواهد پیوست. عضو رهبری حزب کمونیست بریتانیا اضافه کرد، "در این جامعه و تحت سوسیالیسم، بمانان بدهید و به ما گل رز بدهید. بقول "ماری شلی" (نویسنده و فمینیست ۱۸۵۱-۱۷۹۷): بدون زنان، مردان آزاد نخواهند بود."

خانم "سوزان وب"، عضو کمیته ملی حزب کمونیست آمریکا و معاون سردبیر "هفته نامه جهان مردم"، ارگان حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، در سخنرانی همه جانبه ای آزادی زنان در آمریکا را به پویش (کمپین) انتخاباتی فعلی در آمریکا ارتباط داد. خانم وب گفت، "خیلی از زنان از پویش اوپاما الهام گرفتند." او اضافه کرد، "با انتصاب "سارا پیلین" بعنوان کاندیدای معاون ریاست جمهوری خود، "جان مکین" فکر میکرد میتواند از شور و اشتیاق زنان برای ایفای سهم در انتخابات به نفع خود بهره بگیرد. ولی پیلین با هر تدبیری که به زنان کارگر و زنان از طبقه متوسط اجازه مشارکت در نیروی کار را بدهد، مخالفت میکند."

یکی از رفقای زن توده ای، در انگلستان، در سخنرانی بی به نمایندگی از سوی حزب توده ایران، ضمن تشریح شرایط کار و مبارزه زنان میهن مان برای رفع تبعیض و دستیابی به آزادی و برابری واقعی، به نقش تاریخی حزب توده ایران در پیوند این مبارزه با مبارزه عمومی مردم برای صلح، آزادی و عدالت اجتماعی اشاره کرد. رفیق از سرکوب حقوق زنان در کشور در نزدیک به سه دهه اخیر و تحت رژیم ولایت فقیه سخن گفت. او با اشاره به اینکه قوانین رسمی کشور در جمهوری اسلامی با زن برخورد علنا تبعیض گرانه و سرکوبگرانه دارند به ارائه نمونه های گوناگونی پرداخت و سپس گفت: ولی با وجود این، زنان ایرانی به طور بارزی درگیر سیاست هستند، و برای دستیابی به حقوق خود مبارزه می کنند. سخنران سپس به به سهم برجسته زنان و جوانان در حمایت از جنبش اصلاح طلبی و مبارزه برای تغییر قوانین ستمگرانه حاکم در کشور اشاره کرد و با توضیح شرایط مبارزه ی پیچیده سال های اخیر به اطلاع حضار رساند که جنبش زنان از موثرترین و سازمان یافته ترین گردان های جنبش اجتماعی مردم ایران است.

خانم "لیندا والکر"، صدر "حزب کمونیست ایرلند" در سخنرانی خود در رابطه با تحولات این کشور از جمله اشاره کرد: چون هنوز سقط جنین در ایرلند غیرقانونی است، هر هفته چهل زن مجبور به ترک ایرلند برای (دستیابی به امکانات پزشکی) و سقط جنین در کشور دیگری میشوند. خانم والکر گفت، "حق انتخاب برای زن، یک مسئله طبقاتی، و موضوعی مربوط به سرتاسر ایرلند می باشد." جوئن استیونسون، زن جوان فعال در "سازمان جوانان حزب کمونیست انگلستان" در سخنرانی خود در رابطه با بحران مالی اخیر که بازارهای کشور های سرمایه داری را در هم پیچیده است، هشدار داد: "در چنین شرایط بحرانی، سرمایه داری سعی خواهد کرد طبقه کارگر را مجبور به پرداخت هزینه بحران بکند. اگر به آنها اجازه بدهیم، کارفرمایان فشار و ضربه حاصل از بحران را به زنان و کودکان تحمیل خواهند کرد."

به دعوت و با هماهنگی حزب کمونیست بریتانیا، فعالان سازمان حزب توده ایران امسال هم در سه روز بحث های "دانشگاه کمونیستی بریتانیا" شرکت فعال داشتند. در جریان این بحث ها گوشه های گوناگون مبارزه ی حزب توده ایران برای صلح، دموکراسی، آزادی و پیشرفت اجتماعی تشریح گردید و یک نسخه از آخرین شماره نشریه "ایران امروز" با مقالاتی در رابطه با مبارزه مردم میهن به همه شرکت کنندگان "دانشگاه کمونیستی" ... تقدیم شد.



آزادی برای همه دانشجویان در بند!

سازمان سنجش وزارت اطلاعات عنوان کردند. طی ۲ سال گذشته ده ها دانشجوی ستاره دار از ادامه تحصیل بازمانده اند و برخی نیز از سوی وزارت اطلاعات و یا اطلاعات سپاه پاسداران مورد تهدید قرار گرفته و از آنان انزجار نامه رسمی درخواست گردیده است.

درآستانه انتخابات

دوره دهم ریاست جمهوری، ارتجاع حاکم با علم به نقش سازنده و موثر جنبش دانشجویی در مجموعه جنبش مردمی کشور، تلاش می ورزد به هر شکل ممکن فعالین دانشجویی را تحت فشار قرارداده و جنبش دانشجویی را مهار و ناتوان سازد. محروم ساختن از تحصیل در کنار بازداشت های گسترده و ضرب و شتم دانشجویان از شیوه های متداول تاریک اندیشان واپس گرا در این زمینه است.

ادامه تحصیل حق قانونی و انکارناپذیر همه جوانان از جمله فعالین میهن دوست و ترقی خواه جنبش دانشجویی میهن ما است باید متحد و یکپارچه از این حقوق بدیهی پشتیبانی کنیم!

اعمال فشار بر آیت الله منتظری را محکوم می کنیم

به دنبال سخنان افشاگرانه و انتقادی آیت الله منتظری در مراسم مذهبی عید فطر امسال، نیروهای اطلاعاتی و امنیتی رژیم ولایت فقیه با برنامه ای از پیش تعیین شده فشار بر نزدیکان، اعضای دفتر و خانواده این مرجع صاحب نام و برجسته مذهبی را تشدید کرده اند. پایگاه اطلاع رسانی سازمان دانش آموزان ایران اسلامی، ادوار تحکیم وحدت روز پنجشنبه ۱۸ مهر ماه در گزارشی به نقل از اطلاعیه دفتر آیت الله منتظری اعلام داشت: "مسئول اطلاع رسانی دفتر آیت الله منتظری مرجع تقلید و مهم ترین روحانی منتقد حاکمیت در قم به دنبال سخنان اخیر این مرجع تقلید بازداشت شده است، بنابر اطلاعیه دفتر آیت الله منتظری، پس از انعکاس خطبه های نماز عید فطر آیت الله منتظری صبح (چهارشنبه) نیروهای اداره اطلاعات قم با حکم دادگاه ویژه روحانیت پس از چند ساعت تفتیش و بازرسی منزل حجت الاسلام آقای مجتبی لطفی از اعضای دفتر آیت الله منتظری و مسئول اطلاع رسانی دفتر معظم له، ایشان را بازداشت کردند. همچنین در همین ساعات منزل آقای مجتبی فیض داماد آیت الله منتظری مورد بازرسی ماموران اداره اطلاعات قم قرار گرفت."

آیت الله منتظری در سال های اخیر و پس از برچیده شدن حصر خانگی و ممنوعیت دیدار، همواره و در مناسبت های گوناگون با شهامت تمام نسبت به اقدامات سرکوبگرانه و تبعیض آمیز رژیم واکنش نشان داده و زبان به انتقاد گشوده است. در مراسم مذهبی نماز عید فطر امسال نیز، وی با انتقاد از سیاست های ارتجاع حاکم و تبلیغات دروغین دولت احمدی نژاد نسبت به ادامه این گونه سیاست ها که برای کشور خطرناک است، هشدار داد. بعلاوه رژیم ولایت فقیه با توجه به نقش و نفوذ معنوی و اعتبار اجتماعی آیت الله منتظری از فعال شدن وی به ویژه در آستانه انتخابات آینده ریاست جمهوری سخت نگران است و اعمال فشار به نزدیکان و بیت ایشان دقیقاً با این هدف صورت پذیرفته است. در هفته های گذشته برخی شخصیت ها و جریانات منتقد و مخالف ارتجاع حاکم بویژه گروه هایی از جنبش دانشجویی دیدارهایی با آیت الله منتظری داشته اند که در این دیدارها او برارایه برنامه و ایستادگی در مقابله با سیاست های دولت کنونی تاکید جدی کرده بود. این اقدامات نمی تواند خشم و واکنش مرتجعان حاکم را در پی نداشته باشد.



یورش ماموران انتظامی به گردهمایی دانشجویان

صبح روز یکشنبه ۱۴ مهر ماه امسال، درحالی که گروهی از دانشجویان محروم از تحصیل و ستاره دار برای پیگیری حقوق پایمال شده خود و در اعتراض به رفتار وزارت آموزش عالی و حراست دانشگاه ها، در مقابل مجلس گردهمایی مسالمت آمیزی را برگزار کرده بودند، اوباش بسیجی و نیروهای انتظامی آنها را محاصره و با زور و تهدید خواستار متفرق شدن دانشجویان شدند، با ممانعت دانشجویان از پایان دادن با تجمع اعتراضی، نیروهای انتظامی آنها را بازداشت و به کلاتتری میدان انقلاب منتقل کردند. خبرنامه امیرکبیر در این زمینه گزارش داد: "نیروهای انتظامی دانشجویان ستاره دار و محروم از تحصیل بازداشت شده را به کلاتتری میدان انقلاب منتقل و پس از چند دقیقه آن ها را آزاد کرد، مامورین نیروی انتظامی پس از آزادی دانشجویان با یکی از آنها درگیر شده و مجدداً به بازداشت وی اقدام کردند که این مساله با اعتراض دیگر دانشجویان مواجه شد مامورین برای متفرق کردن دانشجویان از گاز اشک آور استفاده کردند و چند تن از دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار داد."

محروم ساختن دانشجویان از تحصیل و یا تعلیق ترم های آنان درحال حاضر یکی از حربه های ارتجاع حاکم درمقابله با جنبش دانشجویی آگاه و مبارز ایران است. مرتجعان می کوشند به این وسیله جوانان را ترسانده و مانع از فعالیت سیاسی و افشاگرانه آنها شوند. در این زمینه چند هفته پیش نیز تعداد قابل توجهی از دانشجویان به وزارت علوم مراجعه کردند. اما مسئولین حاضر نشدند پاسخی به ایشان بدهند. سازمان سنجش درسال جاری خورشیدی از ارایه کارنامه به حداقل ۱۷ نفر از دانشجویانی که در دوره کارشناسی (لیسانس) به شکلی فعالیت دانشجویی چه سیاسی و چه صنفی داشتند، خودداری کرد و علت این امر را مسئولان

ادامه نگاهی به رویدادهای ...

علاوه بر این همزمان با دستگیری مسئول اطلاع رسانی دفتر آیت الله منتظری، رسانه های وابسته به ارتجاع حاکم جنگ تبلیغاتی زشت و ناروایی را بر ضد او و نزدیکانش به راه انداخته اند که تازگی نداشته و ناشناخته نیست.

حزب ما ضمن محکوم کردن اعمال فشار و اتهام زنی ناروا به آیت الله منتظری و نزدیکان ایشان، خواستار مبارزه مشترک و متحد همه نیروهای میهن دوست، ملی و آزادیخواه بر ضد چنین اقدامات سرکوبگرانه است.

میلیون ها کارمند زیر خط فقر زندگی می کنند

دولت احمدی نژاد در واکنش به اعتراض های وسیع کارمندان کشور، بودجه جبران خدمات کارکنان دولت در سال کنونی را نسبت به سال گذشته نزدیک به ۱۴ درصد افزایش داد تا بلکه بتواند صدای اعتراضی میلیون ها کارمند و خانواده های آنان را خاموش سازد. اما این اقدام نیز تغییری در زندگی کارمندان نداده و کماکان سطح دستمزد آنها پایین تر از نرخ رسمی تورم که از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی اعلام می شود، قرار دارد. روزنامه سرمایه ۳ مهرماه امسال در این خصوص گزارش داد: "بودجه جبران خدمات کارکنان دولت در سال ۸۷ نسبت به سال ۸۶ بیش از ۱۴ درصد افزایش پیدا کرده اما اضافه حقوق کارکنان دولت تنها ۷/۹ درصد افزایش پیدا کرده است... امسال نیز دولت با وجود این که نرخ تورم در سال ۸۶ طبق اعلام بانک مرکزی ۱۸/۴ درصد بوده میزان افزایش حقوق کارمندان را تنها ۱۰ درصد اعلام کرد که ۸/۴ درصد کمتر از نرخ تورم است."

در ادامه گزارش اشاره می شود: "میزان حقیقی افزایش حقوق کارمندان ۷/۹ درصد است و با توجه به عدم تطابق مصوبه دولت با قانون برنامه و ابطال آن، هنوز هیات ریسه مجلس اقدام به ابلاغ مصوبه جدید به دولت نکرده است. (یعنی با گذشت نزدیک به ۸ ماه از سال هنوز کارمندان بالاتکلیف هستند و معلوم نیست بلاخره دستمزد آنها در سال ۱۳۸۷ به چه میزان است) بیش از ۹ ماه از انتصاب معاونت توسعه منابع انسانی می گذرد اما هنوز چارت و تشکیلات اداری این معاونت که عهده دار تنظیم آیین نامه قانون مدیریت خدمات کشوری بوده به طور کامل مشخص نیست."

به این ترتیب کارمندان کشور هنوز دستمزدهای سال گذشته خود را دریافت می کنند و با توجه به گرانی و افزایش قیمت کالاها خصوصا مواد خوراکی، میلیون ها خانواده کارمندی کشور در زیر خط فقر بسر می برند و این درحالیست که درآمدهای ایران در سال های گذشته نسبت به قبل به دلیل افزایش بهای نفت افزایش چشمگیر داشته و میلیون ها کارمند به حق انتظار داشتند افزایش درآمدهای کشور در زندگی آنها نیز تاثیر مثبت باقی می گذاشت. اما برخلاف چنین انتظار درست و منطقی، شاهد سقوط سطح زندگی مزد بگیران و از جمله کارمندان هستیم. علت اصلی سقوط سطح زندگی زحمتکشان، افزایش نرخ تورم و گرانی سرسام آور ماه های اخیر را باید در سمت گیری اقتصادی-اجتماعی رژیم ولایت فقیه و سیاست های ارتجاع حاکم جستجو کرد. بی عدالتی در حق میلیون ها کارمند و خانواده های آنان یک نمونه از تاثیرات برنامه و عملکرد دولت احمدی نژاد به شمار می آید. کارمندان زحمتکش کشور به درستی و در تجربه روزمره خود به این نتیجه رسیده اند که راه حل تامین منافع آنها، مبارزه سازمان یافته و متشکل است. زمزمه خواست ایجاد سندیکاهای مستقل در میان کارمندان رده پایین و متوسط که در لابلای اخبار رسانه های همگانی به گوش می رسد، نشانگر بلوغ سیاسی-صنفي این قشر وسیع اجتماعی است

پیامد ورشکستگی صنایع کشور

**آزادی برای همه زندانیان
سیاسی ایران!**

ورشکستگی و تعطیلی واحدها و شرکت های ایرانی فعال در بخش صنعت بویژه در صنایع کلیدی و مادر، امکان حضور و فعالیت گسترده شرکت های خارجی را فراهم آورده است.

ده ها شرکت خارجی با توجه به ورشکستگی صنایع و واحدهای صنعتی کشور، بر نفوذ و نقش خود در اقتصاد ایران افزوده اند، در واقع برنامه و سیاست ارتجاع حاکم زمینه نقش آفرینی شرکت های خارجی فعال در بخش های نفت و گاز، فولاد و ذوب آهن را مهیا ساخته و در این خصوص دولت احمدی نژاد ضمن خدمت به کلان سرمایه داری و تجار عمده، کارگشای شرکت های خارجی نیز شده است، این دولت با اجرای طرح اصلاح ساختار واحدها نه تنها هزاران کارگر را بیکار و امنیت شغلی زحمتکشانش را پایمال می سازد، بلکه به فعالیت واحدهای صنعتی نیز آسیب رسانده است. شرکت ایران صدرا که از واحدهای مهم صنعتی کشور به شمار می آید و در صنایع نفت و گاز و ساخت سکوها دریایی و کشتی دارای سابقه تجربه و اعتبار است، با طرح فوق از چرخه فعالیت بازمانده و شرکت های خارجی جایگزین آن شده اند.

روزنامه دنیای اقتصاد ۸ مهرماه در گزارشی از جایگزینی شرکت های خارجی به جای واحدهای ایرانی بویژه در طرح های راهبردی نفت، گاز، صنایع فولاد و غیره در خصوص کنار گذاشتن شرکت ایران صدرا از جمله نوشت: "مدیر عامل شرکت پترو پارس ایران با بیان اینکه کشتی هلندی به جای صدرا می آید خاطر نشان ساخت در حال حاضر دو رشته خط لوله دریایی ۳۲ اینچ گاز سکوها را به پالایشگاه های خشکی منتقل می کند، ساخت خط لوله سوم را از شرکت صدرا گرفته ایم و به یک شرکت هلندی واگذار کرده ایم که هم اکنون کشتی لوله گذاری این شرکت در حال حرکت به سمت ایران بوده و قادر است ظرف مدت ۲۵ روز عملیات لوله گذاری خط لوله سوم را انجام دهد."

گفتنی است شرکت معتبر ایران صدرا تنها به دلیل عدم اعتبارات مالی در حال رکود به سر می برد و عامل اصلی مشکلات این شرکت سیاست های اقتصادی ضد تولیدی دولت احمدی نژاد است.

به گواهی بسیاری از کارشناسان بین المللی صنعت نفت بویژه امور مربوط به فلات قاره (حفاری و لوله گذاری در دریا) مهندسان، متخصصان، کارگران و تکنیسین های ایرانی از زمره با تجربه ترین و ورزیده ترین فعالان صنایع نفت و گاز در منطقه و حتی جهان هستند.

اما با سیاست های ارتجاع حاکم این توان و تجربه نادیده گرفته و بلااستفاده می ماند و بدتر اینکه شرکت های خارجی با قراردادهایی یک طرفه و دریافت مبالغ هنگفت جایگزین شرکت های ایرانی می شوند، نکته جالب این جاست که همین شرکت ها با پیشنهاد دستمزدهای بیشتر خواهان استخدام متخصصان و کارگران ایرانی هستند و پرواضح است که بیکاری و بی عدالتی سبب جذب آنها به شرکت های خارجی می شود.

ادامه "سونامی" اقتصادی - سیاسی ...

اقتصادی-سیاسی دولت برگمارده ولی فقیه و دشواری های آن در اوضاع کنونی است.

حزب ما در کنار بسیاری از صاحب نظران اقتصادی در سال های اخیر همواره نسبت به نارسایی های نظام بیمار اقتصادی کشور هشدار داده است. روند زوال بنیه تولیدی کشور، در سال های اخیر و تکیه بیش از پیش اقتصاد و درآمد ملی بر درآمد نفتی، کشور را بیش از پیش به سمت اقتصادی تک محصولی رانده است و از سوی دیگر حیات اقتصادی ایران را به شکل گسترده ای به تحولات بازار نفتی جهان گره زده است. به نظر بسیاری از صاحب نظران اقتصادی وابستگی ایران به نوسانات بازار جهانی نفت در عرصه های گوناگونی قابل رویت است. بر اساس آمار رسمی رژیم سهم در آمد نفتی از تولید ناخالص داخلی بالای ۵۰ درصد است. نکته دیگر اینکه ۸۰ درصد واردات کشور از محل درآمدهای ارزهای کشور از طریق فروش نفت بدست می آید. بر اساس همین آمار درآمدهای عمومی دولت به شکل گسترده ای (بالغ بر ۸۵ درصد) وابسته به پول نفت است. بر این اساس با سقوط قیمت نفت از ۱۴۰ دلار در هر بشکه به نزدیک ۶۰ دلار برای هر بشکه اثرات فوری و بسیاری وسیعی بر وضعیت اقتصادی کشور به همراه خواهد داشت.

در همین زمینه تذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که در تمامی این دوران رشد نجومی قیمت نفت و درآمد بالای ایران از فروش نفت نه تنها این درآمد ها صرف بهبودی وضعیت اقتصادی کشور نشده است بلکه عمدتاً توسط سران رژیم به تاراج رفته است. بیژن زنگنه، وزیر پیشین جهاد، نفت و کشور اخیراً در سخنانی درباره وضعیت بحرانی کشور به گم شدن بخش مهمی از ذخیره های ارزی ایران اشاره کرد و گفت: "در ۸ سال دوره آقای هاشمی یعنی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵ دولت مجموعاً ۱۲۶ میلیارد دلار درآمد نفتی داشت. در دوره آقای خاتمی از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ دولت ۱۷۳ میلیارد دلار درآمد نفتی داشت و دولت نهم ۱۹۸ میلیارد دلار درآمد داشته است. براساس برنامه توسعه کشور و مجوز های قانونی صادر شده در حال حاضر باید حدود ۹۶ میلیارد دلار در حساب ذخیره ارزی موجودی باشد ولی براساس اعلام رسمی وزیر سابق اقتصاد در پایان سال ۱۳۸۶ این رقم ۱۶ میلیارد دلار است هرچند این روزها شنیده می شود این مبلغ حداکثر ۸ میلیارد دلار است در نتیجه هزینه کرد ۸۰ میلیارد دلار مابه التفاوت محل سوال و اشکال است."

کارنامه چهار ساله دولت احمدی نژاد که کارزار انتخاباتی خود را بر اساس موج گسترده نارضایتی عمیق توده های زحمت کش از نابرابر های اجتماعی و با قول "گذاشتن پول نفت بر سر سفره مردم" تنظیم کرده بود، نمونه روشنی از افلاس سیاست اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تاریک اندیشان حاکم بر کشور است که در سال های اخیر با دنبال کردن سیاست های نولیبرالی اقتصادی و دنبال کردن نسخه های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی کشور را بیش از پیش به سمت بحران همه جانبه اقتصادی رانده اند. بیکاری فزاینده نیروی فعال کار، تشدید دره عمیق فقر و ثروت، رشد فزاینده تورم و نابودی قدرت خرید زحمتکش، که با عدم رشد متناسب دستمزدها با کاهش درآمد رو به رو بوده اند، و در مجموع تشدید محرومیت اکثریت شهروندان کشور نتیجه مستقیم این سیاست های مخرب رژیم ولایت فقیه است.

بر خلاف همه قول های احمدی نژاد سهم اساسی درآمد ۱۹۶ میلیارد دلاری نفت، نه بر سر سفره مردم که بلکه بر سر سفره سران رژیم و رهبران نظامی و انتظامی کشور قرار گرفته است و تنها فقر و محرومیت است که میان مردم تقسیم شده است. بی شک با تشدید بحران اقتصادی کشور، دشواری های سیاسی و اجتماعی رژیم نیز تشدید خواهد شد و روند نارضایتی ها می تواند بار دیگر به ناآرامی های گسترده اجتماعی و رشد جنبش نارضایتی توده ها منجر گردد. تجربه سال های اخیر نشان داده است در صورتی که بتوان این نارضایتی های گسترده توده ای را سازمان دهی کرد آن وقت می توان رژیم را به عقب نشینی وادار کرد.

ایران در ماه های آینده، بار دیگر، به سمت انتخاباتی مهم می رود. کارنامه دولت برگمارده ولی فقیه در چهار سال گذشته آنقدر سیاه و ضد مردمی است که حتی بخش های وسیعی از طرفداران رژیم نسبت به ادامه "انتخاب" مجدد دولت احمدی نژاد و حمایت از کارزار انتخاباتی او دچار تردید های جدی اند و رایزنی های بسیاری بر ارائه نامزدهای دیگر در جریان است. به نظر می رسد که رژیم بر خلاف انتخابات دوره گذشته برای برگماردی احمدی نژاد، حتی از طریق تقلبات گسترده، دچار دشواری های جدی باشد. سازمان دهی کارزار مبارزاتی گسترده ای برای افشای کارنامه سیاه دولت احمدی نژاد و رژیم ولایت فقیه بخشی از وظایف مهم نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور است که باید با تمام توان برای گسترش آن تلاش کرد.

کارگران خواستار تقویت تولید و امنیت شغلی هستند

کارگران قهرمان و مبارز کارخانه لاستیک البرز پس از آنکه وعده های احمدی نژاد برای حل مشکلاتشان پوچ و بی نتیجه از آب درآمد، مجدداً در روز ۱۴ مهرماه امسال دست به تجمع در برابر ساختمان وزارت کار و امور اجتماعی زدند. خواست این کارگران احیا کارخانه لاستیک البرز، لغو خصوصی سازی، و دریافت دستمزدهای معوقه بود. روزنامه سرمایه ۱۵ مهرماه در گزارشی تأکید کرد: "چهارسال ونیم است که کارخانه بزرگ لاستیک سازی البرز که حدود ۱۵ درصد مصرف تأیر کشور را تأمین می کند با واگذاری به بخش خصوصی دچار مشکل شده به گونه ای که درحال حاضر سهامدار اصلی آن نمی تواند از ظرفیت این کارخانه استفاده کند، مشکلات این واحد تولیدی به شورای تأمین شهرستان اسلام شهر، شورای تأمین اسلام شهر، وزارت صنایع و نهاد ریاست جمهوری اعلام شده که متأسفانه هنوز مشکل حل نشده است." علاوه نماینده شورای عالی کار نیز به خبرنگار سرمایه خاطر نشان ساخت: "کارگران می گویند این واحد تولیدی تعطیل نشود و دو باره احیا گردد، احیای این واحد تولیدی ۱۳۰۰ شغل مستقیم و ۷ هزار شغل غیر مستقیم ایجاد می کند." درحال حاضر نزدیک به ۱۴۰۰ کارگر کارخانه لاستیک البرز ماه ها دستمزدی دریافت نکرده و دروضعیتی ناگوار بسر می برند.

عاقبت کارخانه لاستیک سازی البرز ماهیت برنامه خصوصی سازی رژیم ولایت فقیه را آشکار می سازد. کارگران معترضی که در برابر ساختمان وزارت کار و امور اجتماعی گردهم آمده بودند به خبرنگار ایسنا تأکید کردند که با خصوصی سازی این واحد، مدیریت و صاحبان جدید، درصدد تعطیلی و خراب کردن کارخانه هستند تا به جای آن ساختمان سازی کرده و از این راه سودهای کلان به جیب بزنند. یکی از کارگران به ایسنا با صراحت گفت: "صاحبان و مدیریت این واحد خصوصی شده کسانی هستند که صنعت را نمی شناسند و توان بالقوه اداره این واحد را ندارند"

به گزارش رسانه های همگانی احیای این واحد بزرگ تولیدی به حداقل ۸ میلیارد تومان بودجه نیاز دارد که دولت احمدی نژاد از تخصیص آن جلوگیری می کند. علاوه بر این واردات بی رویه از خارج، حذف پارانه های حمایتی و حمایت مستقیم دولت از تجار عمده و واردکنندگان لاستیک در کشور، علت تعطیلی و رکود کارخانه بزرگ لاستیک سازی البرز قلمداد می شود. روزنامه سرمایه ۱۵ مهرماه ضمن تأکید بر مبارزه گسترده کارگران این واحد از جمله نوشت: "واردات بی رویه لاستیک و تأیر، افزایش ۳۰ درصدی قیمت مواد اولیه و کاهش نقدینگی شرکت های تولید کننده تأیر در سال های اخیر منجر به ایجاد اختلال در وضعیت تولید شده است به گونه ای که درحال حاضر برخی شرکت های تولید کننده تأیر در آستانه تعطیلی قرار گرفته اند."

سخنان و موضعگیری کارگران قهرمان لاستیک سازی البرز در جریان نگردهمایی مقابل وزارت کار با اهمیت و قابل توجه بوده و نشانه آگاهی طبقاتی آنها است. یکی از کارگران در گفت و گو با سرمایه ۱۵ مهر ماه می گوید: "تجمع قبل که مقابل دفتر ریاست جمهوری بود، رییس جمهور دستور داد هر چه سریعتر مشکلات کارگران این واحد پیگیری و حل شود که با گذشت یک ماه از آن هنوز نتیجه ای در خصوص آن صورت نگرفته است، خواسته ما کارگران این است که این واحد تولیدی با مدیریت دولتی اداره شود، اما به نظر می رسد وزارت کار نمی خواهد این اتفاق بیفتد، مسئولان وزارت کار می گویند (خوب توجه کنید یعنی مسئولان دولت احمدی نژاد) به کارخانه بروید و مشکلات کارخانه را خودتان حل کنید، دستگاه ها و لوازم اضافه را بفروشید و به مواد اولیه تبدیل کنید، ما هم برای حقوق معوقه شما یک میلیارد وام می دهیم. ما کارگران این را قبول نداریم، نمی خواهیم کارخانه به این روز دچار شود و به هیچ عنوان نمی خواهیم کارخانه تعطیل شود، اگر خط تولید کارخانه راه بیفتد، مشکلات نیز حل می شود. این کارخانه در زمان اوج خود این ظرفیت را داشت که با روزی ۷۰ تن تولید ماهانه ۱ میلیارد تومان سود داشته باشد. درحال حاضر این کارخانه ۴ ماه است که خوابیده است و در حال حاضر کارفرما (بخش خصوصی) متواری است و هیچ کس پاسخگوی نیاز ۱۴۰۰ کارگر این واحد نیست."

باید ضمن حمایت قاطع از حقوق کارگران قهرمان لاستیک سازی البرز و دیگر کارگران در رشته های دیگر تأکید کرد، سیاست های دولت ضد مردمی احمدی نژاد در خدمت به سرمایه بزرگ تجاری و دلالان عمده مانع اصلی در تقویت تولید و احیای کارخانجاتی نظیر لاستیک سازی البرز است!

ادامه یک راه حل مردمی ...

وجود آورد. و حالا با این برنامه نجات بانکها، تکلیف "طرح مشارکت سرمایه خصوصی در پروژه های دولتی" چه می شود [اشاره به طرح سال های اخیر دولت بریتانیا برای پشتیبانی از مشارکت دادن سرمایه خصوصی در پروژه هایی نظیر ساختمان مدارس و بیمارستان ها]؟ دولت اکنون به بانکها پول نقدی را می دهد که آنها برای قرض دادن به شرکت های موضوع "طرح مشارکت سرمایه خصوصی در پروژه های دولتی" نیاز دارند، اینها برای قرض دادن به دولت با بهره هایی اجحاف آمیز بر دارایی های عمومی (دولتی) لازم دارند، که سپس در پی آن، همان لاشخوران مصادره کننده خصوصی تملک آن را به دست می گیرند و آن را به ناپودی می کشانند. آیا بی شرم ترین وزیر دولت حزب کارگر "جدید" انگلستان هم هنوز می تواند از این وضع دفاع کند؟

مطرح کردن "سیاست های جایگزین" در چارچوب سرمایه داری هم پاسخ گوی این وضع نخواهد بود. بازار سرمایه داری نمی تواند از عهده این وضع برآید. همان گونه که در برنامه حزب کمونیست انگلستان آمده است، سرمایه گذاری و مالکیت دولتی در عرصه هایی مثل مسکن، انرژی و حمل و نقل، و مداخله راهبردی اساسی دولت در صنایع تولیدی و اقدام به منظور افزایش پس انداز بازتستستی و مزایا، امری ضروری است. هیچ اقدام دیگری نمی تواند از رکود پریشان کنونی جلوگیری کند که در آن درآمدهای واقعی کاهش می یابد، بیکاری رو به افزایش است، و بودجه های بخش دولتی بی رحمانه قطع می شود. این اقدام به دلایل سیاسی، و نیز به دلایل اقتصادی، ضرور است. بحران کنونی درست آن شرایطی را که ماورای راست برای پیش بردن هدف هایش لازم دارد فراهم می کند. فقط یک یادآور وجود دارد، و آن هم توضیح روشن و ساده علت های واقعی همراه با راه انداختن کارزارهای توده ای در راه گزینه های مترقی است. و فقط از راه چنان کارزارهای توده ای به رهبری جنبش کارگری و سندیکایی است که می توان یک جنبش مردمی به اندازه کافی گسترده پدید آورد که بتواند دولت های حاکم کنونی را به تغییر سیاست هایش وادارد.

این همان چیزی است که سام وپ در آمریکا به دنبال آن است: الگویی مبتنی بر ابتکارهای اقتصادی روزولت (New Deal) (قرار داد نو) که قدرتش مبتنی بر قدرت محرومان و زحمت کشانی است که می توانند قدرت و عمل کارگران سرمایه داری را به چالش بکشند. کمونیست های یونان خواستار واکنشی مشابه در سراسر کشورهای اروپایی هستند. زحمت کشان باید دموکراسی در پارلمان های این کشورها، و فراتر از همه قدرت اقتصادی شان را که توسط پیمان اتحادیه اروپا زیر پا گذاشته شده است، باز پس بگیرند و احیا کنند. رویدادهای چند هفته گذشته به روشنی نشان داده است که چگونه سرمایه مالی در هر کشور جداگانه از قدرت دولتی "خودش" در سطح دولت کشور به منظور نجات منافع خودش استفاده می کند. اما بر اساس قانون پیمان اتحادیه اروپا، پارلمان های ملی کشورهای عضو از اجرای هرگونه راه حل جایگزین و غیرنولیبرالی منع شده اند. این دولت ها اجازه ندارند کنترلی روی سرمایه تحمیل کنند، گردش آن [در اروپا] را محدود کنند، یا بخش دولتی را توسعه دهند. به این دلایل است که اعمال دموکراسی واقعی، توازن قوا میان سرمایه و کار، نکته اساسی و حیاتی در رفع بحران کنونی است. به همین دلیل است که در شرایط کنونی، عمل مشترک و متحد به رهبری جنبش سندیکایی و کارگری در سراسر جهان اهمیت مبرمی دارد.

به نقل از روزنامه "مورنینگ استار"

اطلاعیه حزب کمونیست بوهم و مورای درباره انتخابات منطقه ای و سنا در جمهوری چک

در روزهای ۱۷ و ۱۸ اکتبر ۲۰۰۸ (۹ و ۱۰ آبان ۸۷) انتخابات منطقه ای و دور اول انتخابات سنا در جمهوری چک برگزار شد. در حدود ۶۰ حزب سیاسی و سازمان گوناگون در این انتخابات شرکت کردند. میزان شرکت کنندگان در انتخابات منطقه ای ۴۰/۳ درصد تعداد رای دهندگان واجد شرایط بود. رقم مشابه در انتخابات سنا ۳۹/۵ درصد بود. در هر دو مورد میزان شرکت رای دهندگان بیشتر از انتخابات قبلی بود.

نتیجه این دو انتخابات حاکی از شکست سنگینی بود برای ائتلاف حاکم حزب "مدنی دموکراتیک" (ODS)، حزب نخست وزیر میرک توپولانک، و مؤتلفان او در "حزب مردم چکسلواک - اتحاد دموکرات مسیحی"، به رهبری ژیری چونک، و حزب سبزه های مارتین بورسیک. با وجود این که تا امروز حزب مدنی دموکراتیک در ۱۲ منطقه از ۱۳ منطقه جمهوری چک حاکم بود، اما امروز سوسیال دموکرات ها بر هر ۱۳ منطقه حاکم اند. [منطقه] پراگ در این انتخابات شرکت نداشت.

سوسیال دموکرات ها ۳۵/۹ درصد آراء را به خود اختصاص دادند که حاصل آن، ۲۸۰ نماینده در شوراهای منطقه ای است. حزب مدنی دموکراتیک ۲۳/۶ درصد آراء را به دست آورد و در نتیجه ۱۸۰ نماینده خواهد داشت. حزب کمونیست بوهم و مورای موقعیت خود را به عنوان سومین حزب پر قدرت حفظ و ۱۵ درصد آراء را کسب کرد، که در نتیجه ۱۱۴ نماینده در شوراهای منطقه ای خواهد داشت. حاصل کار دموکرات مسیحی ها، ۶/۷ آراء و ۴۳ نماینده بود. حزب حاکم دست راستی سبزه ها حتی یک کرسی نمایندگی هم به دست نیاورد. این حزب در جمهوری چک از نوع مشابه دیگر احزاب اروپایی هوادار محیط زیست نیست که به طور سنتی رادیکال یا چپ میانه رو هستند. این حزب در جمهوری چک یک حزب دست راستی است که از دستمایه اکولوژی (و محیط زیست) سوء استفاده می کند، و اتکای زیادی دارد به پشتیبانی رسانه ها و نیروهای سیاسی پیرامون رئیس جمهور پیشین، واسلاو هاول، یا وزیر امور خارجه، شوارتزنبرگ. در طیف سیاسی کشور، این حزب در پی جذب آرای هواداران حزب لیبرال دست راستی "اتحاد آزادی" بوده است که دیگر وجود خارجی ندارد. در انتخابات منطقه ای هفته پیش، حزب کمونیست بوهم و مورای ۲۱۲۱۷ رای بیشتر از رای گیری قبلی در سال ۲۰۰۴ به دست آورد. اما به سبب شرکت گسترده تر رای دهندگان در انتخابات اخیر، درصد نسبی آرای حزب کمتر بود. اگر م. بایرووا، نامزد ما در انتخابات سنا، بتواند در دور دوم برنده شود و به سنا راه یابد، حزب ما خواهد توانست موقعیت خود را در سنا، با سه سناتور، کماکان حفظ کند. خانم بایرووا در دور اول انتخابات در زونیمو ۴۱/۴ آراء را به دست آورد، در حالی که نامزد رده دوم از حزب مدنی دموکراتیک فقط ۱۷/۳ درصد رای آورد.

اگر حزب کمونیست بوهم و مورای می توانست در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۶ به همان نسبت (درصد) انتخابات منطقه ای امسال رای آورد، آنگاه به جای ۲۶ نماینده کنونی می توانست ۲۷ نماینده (۱۱ نماینده بیشتر) داشته باشد. از سوی دیگر، نتایج انتخابات اخیر به این معناست که حزب ما در انتخابات پارلمان اروپا ۳ نماینده کمتر خواهد داشت. انتخابات اخیر در شرایط متأثر از جو ضد کمونیستی و تحریم و نادیده انگاری رسانه ها برگزار شد. ما تلاش کردیم با برقراری تماس های مستقیم با مردم در سراسر کشور این محدودیت را جبران کنیم.

برای کسب ۶۷۵ کرسی نمایندگی در شوراهای منطقه ای، ۸۲۰۰ نامزد انتخاباتی با هم رقابت کردند. بر اساس نتایج به دست آمده، کمونیست ها و سوسیال دموکرات ها می توانند در تمام مناطق کشور ائتلاف های حاکم را تشکیل بدهند. اما حزب کمونیست بوهم و مورای حاضر به توافق با سوسیال دموکرات ها بر اساس حمایت نامحدود و بی قید و شرط نیست. در صورت تشکیل ائتلاف، حزب کمونیست بوهم و مورای خواستار تنظیم یک برنامه حداقل و روشن برای اداره مشترک امور خواهد بود. تجربه گذشته نشان داده است که سوسیال دموکرات ها در موارد متعدد به قول های انتخاباتی شان عمل نکردند و با احزاب دست راستی وارد ائتلاف شدند. اولویت ما کماکان مخالفت با پیمان لیسبون و پایگاه های راداری آمریکا است. حزب ما از تبعات یک ائتلاف مطلع است و در صورت تشکیل ائتلاف در مناطق مختلف کشور، مسئولیت هر پیامدی را، حتی پیامدهای محتمل منفی را، به عهده می گیرد. به همین سبب است که ما بر تعیین دقیق رویکردهای مشترک اصرار داریم، تا بتوانیم اصول و اهداف برنامه ای مان را اجرا کنیم. نتیجه رای اعتماد یا عدم اعتماد به دولت در روز ۲۲ اکتبر (۴ آبان) تأثیر تعیین کننده ای در امکان ایجاد دولت های [مؤتلف] منطقه ای خواهد داشت. تجربه عمل نشان خواهد داد که سوسیال دموکرات ها تا چه حد در پیگیری سیاست های چپ جدی هستند و در کجاها ترجیح می دهند با غیرچپ ها مشارکت کنند. [به گزارش خبرگزاری های حزب حاکم علی رغم ۹۶ رای مخالف توانست در ۹۷ رای موافق از رای "عدم اعتماد" نمایندگان جان سالم به در برد. نکته قابل توجه اصلی در انتخابات اخیر آن است که مردم ما سیاست های دولت دست راستی را طرد می کنند و خواستار تغییر هستند. دولتی که رفورم های ضد مردمی را دنبال می کند، در پی رفع و رجوع مسائل و مشکلات کشور به هزینه مردم عادی است، سیاست خارجی نوکرمایان های را به سود منافع آمریکا و بر خلاف منافع عظیم مردم به پیش می برد، و خواستار استقرار پایگاه های راداری آمریکا است، چنین دولتی در آینده با مقاومتی شدیدتر از آنچه تا کنون دیده است، رو به رو خواهد بود. مسئله اکنون این است که آیا این دولت خواهد توانست از یک انتخابات زود هنگام حذر کند یا نه. در مورد تاریخ های احتمالی انتخابات زود هنگام حدس هایی زده می شود، که یکی از آنها برگزاری همزمان با انتخابات پارلمان اروپا است.

ژیری ماستالکا معاون صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست بوهم و مورای و نماینده پارلمان اروپا

یک راه حل مردمی برای بحران کنونی!

کمونیست‌ها از مدت‌ها پیش این سقوط سیستم مالی را که اکنون در سراسر جهان در حال وقوع است، پیش‌بینی کرده بودند.

احزاب کمونیست سراسر جهان از مدت‌ها پیش بر این عقیده بودند که افزایش تصاعدی بدهی و اعتبار، غیرقابل تحمل و دوام ناپذیر است. این وضع هزینه مستقیمی را بر دوش فقیرترین و ضعیف‌ترین اقشار تحمیل، و آیندگان را وام‌دار کرده است. کمونیست‌ها همچنین هشدار دادند که فروپاشی این سیستم به هیچ‌وجه موجب پیشرفت خود به خودی به سوی یک نظم اجتماعی عادلانه‌تر نخواهد شد، چه برسد به ایجاد سوسیالیسم. همان گونه که در بحران سال‌های دهه ۳۰ میلادی رخ داد، سرمایه مالی تلاش خواهد کرد که این بحران را به شیوه خودش و به هزینه زحمتکشانش حل کند، که راه را برای سیاست‌های راست و ماورای راست باز می‌کند، و حتی در شرایطی به سوی یک اقتصاد کاملاً چنگی گام بر دارد. به همین سبب است که روشن کردن ماهیت این بحران بسیار مهم است. مسئله این بحران، وام‌های مسکن زیر نرخ بهره پایه نیست. حتی آن طور که احزاب راست و محافظه‌کار می‌گویند، مسئله بر سر مدیران گردن کلفت شرکت‌های بزرگ و مزایای آنها نیست.

این بحران در اصل ناشی است از چگونگی عمل سرمایه مالی، که کنترل کننده اصلی بانک‌ها و صنایع است، در تغییر دادن توازن نیروهای سیاسی به سود خودش در ۳۰ سال گذشته، و از بین بردن محدودیت‌هایی که طبقه کارگر با مبارزه خود و از طریق دموکراسی پارلمان‌های ملی در نیم قرن گذشته بر سیستم سرمایه داری تحمیل کرده بود. مسئله این بحران، دموکراسی است؛ در رابطه با توانایی اکثریت طبقه زحمتکشانش بطور دسته جمعی و کلکتیو برای اعمال قدرت بر سرمایه است.

سام وب، صدر حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، ریشه‌های این بحران را در تهاجم سیاسی دولت ریگان بر ضد دستاوردهای طبقه کارگر هم در آمریکا و هم در اتحاد شوروی، و نیز پشتیبانی شوروی از حرکت‌های ضد امپریالیستی در سراسر دنیا پی‌جویی می‌کند. اگرچه مالی‌گرایی ثمره ضعف‌های سامانمند (سیستماتیک) سرمایه داری آمریکا بود، اما پیشگام الگوی نولیبرالی انباشت... نیز بود، که به منظور بازافت آهنگ حرکت و شتاب، سودآوری، و موقعیت برتر و مسلط سرمایه‌داری آمریکا در امور داخلی و بین‌المللی طراحی شده بود.

در بریتانیا، محافظه‌کاران به رهبری مارگارت تاچر جلودار این سیاست‌ها بودند. آنها از شوک‌درمانی بیکاری گسترده برای تضعیف قدرت طبقه کارگر سازمان‌یافته استفاده کردند. شهر لندن به مرکز جهانی مقررات‌زدایی برای معاملات مالی آمریکا تبدیل شد، و اتحادیه اروپا نقش حربه خط مقدم برای تحمیل الگوی لیبرالی را به عهده گرفت. "قانون اروپای واحد" محافظه‌کاران خواهان خصوصی سازی همه‌جاگیر، یعنی کنترل شدید بر وام‌گیری توده‌های مردم، ولی عدم کنترل روی سرمایه بود. اما همان گونه که سام وب خاطر نشان می‌کند، مالی‌گرایی همچنان "... یک شمشیر دو لبه است که موجب

گسست‌هایی در اقتصاد آمریکا و جهان شد." تهاجم برای از بین بردن اتحادیه‌های کارگری و پاره‌وقت کردن نیروی کارگر موجب سودهای بی‌سابقه‌ای شد. همچنین بود پیامد باز شدن درهای منابع و ذخایر جهان سوم و اروپای مرکزی و شرقی در پی فروپاشی اتحاد شوروی. اما این امر بلافاصله موجب مسئله تازه‌ای شد. این رونق انباشت سرمایه، چطور می‌توانست به طور سودآور سرمایه‌گذاری شود وقتی که درآمدهای واقعی ثابت بودند و کشورهای جهان سوم در بدهکاری فلج‌کننده‌ای دست و پا می‌زدند؟ جورج بوش دو پاسخ به این معضل داشت. یکی جنگ بود، و دیگری گسترش و افزایش نامحدود اعتبار - تحت رهنمودهای آلن گرین اسپن، مهره بوش در بانک مرکزی آمریکا. زحمتکشانش را تشویق کردند که با گرفتن وام‌های درازمدت غیرقابل تحمل، درآمدهای پایین را جبران کنند. سام وب می‌گوید مالی‌گرایی "ضمن آن که محرکی برای اقتصاد داخلی و جهانی بود، اما برای ملت ما نیز رقمی نجومی از بدهی‌های شخصی (مصرف‌کنندگان، دولتی و شرکتی به جا گذارد" و همین طور بود برای بقیه دنیا. این مارکس بود که چنین استدلال کرد که در مرحله نهایی چرخه‌های معمول رونق و رکود سرمایه‌داری، مازاد-انباشت سرمایه به عرصه عملیات مالی مخاطره‌آمیز [بورس بازی و غیره] سرریز خواهد کرد، و پس‌انداز کارگران و سرمایه‌های کوچک را - در پی یافتن سود - غارت خواهد کرد.

"دادن پول مردم به بانک‌ها در چنین مقیاسی عظیم، بدون وجود مالکیت همگانی کامل و دقیقاً برنامه‌ریزی شده، فقط اوضاع را وخیم‌تر می‌کند."

مارکس همچنین هشدار داد که با متمرکزتر شدن مالکیت سرمایه، این "تصاحب از راه سرمایه مجازی" نقشی مرکزی‌تر در عملیات سرمایه‌داری بازی خواهد کرد. به همین دلیل است که کمونیست‌ها، هم در اروپا و هم در ایالات متحده آمریکا، این به اصطلاح "بسته‌های نجات" را که توسط بانک‌ها دیکته شده‌اند، مردود می‌دانند. دادن پول مردم به بانک‌ها در چنین مقیاسی عظیم، بدون وجود مالکیت همگانی کامل و دقیقاً برنامه‌ریزی شده، فقط اوضاع را وخیم‌تر می‌کند. این امر موجب بالا رفتن نرخ مالیات‌ها، تضعیف قدرت خرید، و ناتوان کردن دولت‌ها برای سرمایه‌گذاری در بخش دولتی می‌شود که برای به حرکت انداختن دوباره اقتصاد واقعی ضروری است. به همین سبب است که حزب کمونیست آمریکا موضوع مالکیت عمومی بانک‌ها را به این صراحت مطرح کرده است. در شرایط فعلی، این بانک‌ها را می‌توان به بهای کسری از هزینه "نجات" خریداری کرد، که هدایت مستقیم سرمایه‌گذاری در اقتصاد را، در عوض مالکیت کامل یا نیمه‌کامل، امکان‌پذیر می‌کند.

در یونان، که یکی از بزرگترین "بسته‌های نجات بانکداران" را در جریان بحران اخیر شاهد بوده است، حزب کمونیست پر قدرت کشور خواستار مداخله مستقیم دولت در اقتصاد است، از جمله خانه‌سازی توسط بخش دولتی، در اختیار گرفتن وام‌های مسکن با بهره‌هایی کمتر، اقدام در مورد دستمزدها و مزایا به منظور افزایش قدرت خرید عمومی و پایان دادن به نظام بانجست‌گی خصوصی. اما کمونیست‌های یونان از این هم فراتر می‌روند. آنها تأکید می‌کنند که اکنون ضروری و حیاتی است که جنبش کارگری و سندیکایی به طور مستقیم کل منطق سرمایه‌داری انحصاری دولتی، دستورکار نولیبرالی آن و ساختارهای اتحادیه اروپا را که متضمن این وضع هستند، به چالش بکشد. بخش‌های بزرگی از جنبش سندیکایی اروپا سال‌هاست که بر اثر تفکر مشارکت و همکاری در چارچوب اتحادیه اروپا، فلج شده‌اند. بحران کنونی، مقیاس این حقه محافظه‌کاران را نشان می‌دهد. محدودیت‌های بی‌رحمانه بر وام‌گیری دولت بود که خصوصی‌سازی را به پیش راند. اما چرا باید برای وام‌گیری بخش دولتی محدودیت قائل شد، اما برای بخش خصوصی نه؟ فراهم آوردن امکان اعتبارهای خصوصی توسط سرمایه مالی بود که این بحران فاجعه‌آمیز را به

ادامه در صفحه ۷

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

- آدرس‌های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
http://www.tudehpartyiran.org آدرس‌های اینترنت و "ای-میل"
E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 802
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Saturday 25th October 2008

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRANe.V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse